

عوامل مؤثر بر واگرایی روابط ایران و گرجستان (۲۰۱۶-۲۰۰۰)

میترا راه نجات^۱ حسن کبیری^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱/۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۳/۳۰

چکیده

جمهوری گرجستان یکی از کشورهای قفقاز جنوبی است که با ایران دارای مرز مشترک نیست اما به جهت ویژگی ژئوپلیتیکی برای ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران نیز در سال‌های پس از استقلال گرجستان از شوروی سابق توانسته است روابط نزدیکی در حوزه‌های اقتصادی با این کشور برقرار کند. هرچند در کنار وجود مؤلفه‌های فراوان در سال‌های گذشته از جهت همگرایی میان دو کشور، زمینه‌هایی برای واگرایی در روابط میان ایران و گرجستان ممکن است در سال‌های آتی به وجود بیاید؛ اما آنچه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ نسبت به دهه ۱۹۹۰ زمینه‌های واگرایی دو کشور را فراهم کرده است بیشتر در تأثیر همگرایی اسرائیل و گرجستان در کمرنگ شدن مناسبات تهران-تفلیس، رویکرد غرب محوری گرجستان، حضور فعال کشورهای غربی در این منطقه و تنش‌های مداوم واشنگتن-تهران، روابط و همکاری نزدیک تفلیس تل‌آویو، به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی و نظامی و سیاست خارجی قفقازی ایران با در نظر گرفتن ملاحظات روسیه، جای گرفته است که سبب شده مناسبات و همکاری‌های ایران و گرجستان در پایین‌ترین سطح خود باقی بماند. سؤال اصلی: در میان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ چه عواملی بر واگرایی روابط ایران و گرجستان مؤثر بوده است؟ فرضیه پژوهش: مهم‌ترین عوامل مؤثر بر واگرایی روابط دو کشور را باید در عوامل داخلی و خارجی بررسی کرد که در دو حوزه امنیتی-سیاسی و اقتصادی خود را نشان می‌دهند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بر اساس داده‌های معتبر اسنادی و آرشیوی سعی دارد عوامل مؤثر بر واگرایی روابط دو کشور را تجزیه و تحلیل کند تا آسیب‌شناسی لازم را جهت شناساندن عوامل مؤثر بر واگرایی برای سیاست خارجی ایران نشان دهد.

واژگان کلیدی: ایران، گرجستان، واگرایی، آمریکا، اسرائیل

۱۳۹

سیاست جهانی

۱. استادیار پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی

نویسنده مسئول، ایمیل: mitrasahnejat@yahoo.com

۲. دانش آموخته مطالعات اروپا دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی از دیرباز به‌عنوان یکی از مناطق بسیار مهم از لحاظ جغرافیایی به‌حساب می‌آید و همواره همسایگی این منطقه با فدراسیون روسیه و همچنین اتحادیه اروپا، بر اهمیت ژئوپولیتیکی این منطقه افزوده است. یکی از کشورهای حاضر در منطقه قفقاز جنوبی، گرجستان هست که در محیطی خاص از لحاظ جغرافیایی واقع شده است. اولویت اصلی سیاست خارجی گرجستان، ادغام در ساختارهای غربی می‌باشد که در این زمینه اهداف راهبردی خود را الحاق به نهادهای اروپایی اعلام کردند.

جمهوری گرجستان پس از کسب استقلال، سعی می‌کند تدریجاً «سیاست روس‌گریزی» را دنبال کند و گسترش روابط خارجی با جهان غرب به‌ویژه آمریکا را در دستور کار خود قرار دهد و بعد از انقلاب گل رز ۲۰۰۳ در مسیر گرایش‌های غربی قرار گرفت. در طول چند سال گذشته، اقتصاد گرجستان یکی از پیشرفته‌ترین کشورها در میان جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته شوروی سابق بوده است. دولت جدید گرجستان پس از سال ۲۰۰۳ که انقلاب گل رز اتفاق افتاد، اصلاحات وسیع و جامع را اجرا کرد که هر جنبه‌ای از زندگی کشور را در بر گرفت. اصلاحات اقتصادی برای آزادسازی اقتصاد و فراهم کردن رشد اقتصادی پایدار بر اساس توسعه بخش خصوصی مطرح شده است.

با فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال گرجستان، جمهوری اسلامی ایران از اولین کشورهایی بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت. با افتتاح سفارت ایران در تفلیس در سال ۱۹۹۳ روابط رسمی دیپلماتیک بین دو کشور برقرار شد و پس از مدت کوتاهی به سطح سفیر ارتقا یافت. در مقابل گرجستان نیز در سال ۱۹۹۴ سفارت خود در تهران را افتتاح کرد. در طول دو دهه گذشته روابط دو کشور به دلایل مختلف مانند شرایط حاکم بر دو کشور، شرایط منطقه‌ای، شرایط بین‌المللی و همچنین نقش تصمیم‌گیران و کارگزاران فراز و نشیب‌هایی داشت؛ به‌گونه‌ای که زمانی روابط دو کشور به اوج و زمانی هم این روابط به حد پایین نزول کرد.

مسائلی میان دو کشور وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان پیوندها و تفاوت‌ها نام برد، اما آنچه قطعیت دارد این است که از زمان استقلال جمهوری‌های شوروی تاکنون

هیچ دغدغه اساسی میان دو کشور وجود نداشته است. با این حال، همان گونه که اشاره شد، گرجستان تنها کشور قفقاز جنوبی است که مرز مشترکی با ایران ندارد؛ بنابراین، عوامل جغرافیایی بیش از دو دهه بر روابط دو کشور تأثیر گذاشته است، اما همواره عامل تعیین کننده‌ای نبوده و بیش از هر چیز ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در این روند محل توجه است. از همین رو تا سال ۲۰۱۰ روابط ایران با گرجستان در قفقاز جنوبی آشکار نبود. تأثیر همگرایی اسرائیل و گرجستان در کمرنگ شدن مناسبات تهران-تفلیس، رویکرد غرب محوری گرجستان، حضور فعال کشورهای غربی در این منطقه و تنش‌های مداوم واشنگتن-تهران، روابط و همکاری نزدیک تفلیس تل‌آویو، به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی و نظامی و سیاست خارجی قفقازی ایران با در نظر گرفتن ملاحظات روسیه، سبب شده است مناسبات و همکاری‌های ایران و گرجستان در پایین‌ترین سطح خود باقی بماند.

از مهم‌ترین دلایل واگرایی می‌توان به حضور بازیگران خارجی و تأثیرگذار از جمله آمریکا و اسرائیل اشاره کرد. همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد (و در متن پژوهش)، این عوامل بیشتر ریشه در موارد خارجی دارد؛ که مهم‌ترین آن‌ها را باید در شکل‌گیری روابط گسترده میان اسرائیل و آمریکا با گرجستان؛ در مؤلفه‌های اقتصادی و امنیتی، ناتو در مسائل خاص امنیتی اشاره کرد. از سوی دیگر ایران این شاخص‌ها را به‌عنوان خطراتی امنیتی برای خود قلمداد می‌کند که بیش‌ازپیش می‌تواند به‌عنوان شاخص‌هایی در زمینه واگرایی از آن‌ها در سال‌های اخیر یادکرد. در این پژوهش سعی بر آن است تا عوامل واگرایی اقتصادی و سیاسی-امنیتی دو کشور بیان شود. هرچند ایران در سال‌های گذشته سعی در گسترش روابط و تشکیل کمیته‌های دوستی داشته، اما حضور رقبا و دیگر کشورها در گرجستان پررنگ‌تر بوده است. سؤال پژوهش؛ چه عواملی بر واگرایی روابط دو کشور ایران-گرجستان در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ تأثیر داشته‌اند؟ فرضیه اصلی مقاله این است که؛ مهم‌ترین عوامل مؤثر بر واگرایی روابط دو کشور در قالب عوامل اقتصادی - امنیتی - سیاسی خود را نمایان می‌سازد که توسط بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در جهت هدایت این کشور به سمت اهداف خود قرار می‌گیرد. روش تحقیق مقاله؛ این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر اساس داده‌های معتبر اسنادی و

آرشیوی درصدد است عوامل داخلی - خارجی مؤثر بر واگرایی دو کشور را موردبررسی و مطالعه قرار دهد. درزمینه روابط ایران و گرجستان نسبت به سایر جمهوری‌های حاضر در قفقاز مقالات کمتری ارائه شده است. این پژوهش سعی دارد تا مهم‌ترین عوامل مؤثر در واگرایی دو کشور را در سال‌های گذشته و همچنین زمینه‌های واگرایی در روابط دو کشور در سال‌های آتی را موردبررسی قرار دهد. در همین زمینه نیز تعدادی مقالات وجود دارد که اکثر آن‌ها از نظر زمانی دربرگیرنده دوره متأخر نیستند. این مقاله هدف اصلی خود را کشف فرصت‌ها از درون تهدیدات ناشی از علل واگرایی روابط میان ایران و گرجستان قرار داده است و برای رسیدن به این هدف بر دو نوع از عوامل واگرایی یعنی اقتصادی و امنیتی - سیاسی متمرکز شده است. این عوامل را بر اساس اصل واگرایی و علل تعارض بر مبنای بازی کنشگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی موردبررسی قرار می‌دهد تا پس از شناسایی تهدیدات ناشی از آن فرصت‌های پیش روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نسبت به گرجستان مورد واکاوی قرار دهد.

۱. چارچوب مفهومی

تعارض و منازعه قدمتی به بلندای تاریخ زیست بشریت دارد. تعارض میان دو گروه از انسان‌ها به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان شکل می‌گیرد. منازعه دارای ماهیتی خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز، آشکار یا نهان، کنترل‌پذیر یا کنترل‌ناپذیر، قابل‌حل یا غیرقابل‌حل می‌باشد. امروز بسیاری سیاست را هنر کارگردانی منافع متعارض تعریف می‌کنند که فرایندی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات مختلف است (دوئرتی، ۱۳۹۰: ۵۱۲). مناقشات میان واحدهای سیاسی در سطوح مختلف در تاریخ میان کشورها امری جدایی‌ناپذیر و غیرقابل‌انکار است. از این رو شناخت عوامل این واگرایی و تنش و مؤلفه‌های تعارض در نظام بین‌الملل هرچند نتواند راهگشای کاهش رفع بحران تلقی شود اما قابلیت پیش‌بینی پذیری را برای تحلیل گران عرصه نظام بین‌الملل فراهم می‌آورد. به‌طورکلی در تعریف واگرایی می‌توان گفت واگرایی عبارت است از «فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در اثر آن زمینه بحران فراهم می‌آید. نیروهای واگرا کار دولت را برای یکپارچه کردن مردم و قلمرو در یک

مجموعه منسجم و هماهنگ مشکل می‌کند، اختلاف فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی (در سر راه) و تماس میان مناطق مختلف همگی می‌توانند در حکم نیروهای مرکزگریز عمل کنند. اگر نیروهای مرکزگریز را بدون نظارت هرگونه سیستم متعادل‌کننده‌ای به حال خود واگذاریم موجب فروپاشی کشور می‌شوند» (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

عوامل مختلفی در واگرایی و ایجاد تعارض در نظام بین‌الملل مؤثر است که زمینه‌های بحران و جنگ را فراهم می‌کند. از لحاظ سطح تحلیل تعارض می‌توان متغیرهای گوناگونی را در نظر گرفت. این متغیرها عبارت‌اند از عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل و متغیرهای اجتماعی بین‌المللی (قوام، ۱۳۸۹: ۲۵۴). برای ایجاد تعارضات و اختلافات در سیاست بین‌الملل دلایل و انگیزه‌های گوناگونی وجود دارد به نحوی که نمی‌توان بر یک عامل منحصر به فرد تأکید کرد. گاهی ترکیبی از عوامل، متغیرهای مختلف وضعیتی را پدید می‌آورند که تشخیص علت‌ها از معلول‌ها به سادگی میسر نیست. عواملی که در سطوح گوناگون سبب بروز تعارضات می‌شوند عبارت‌اند از: تعارض بر سر منافع ملی، تعارضات ایدئولوژیک و رقابت‌های اقتصادی.

انگیزه‌ها، اهداف، تصمیم‌ها و رفتارهای سیاست خارجی دو کشور ایران و گرجستان را می‌توان بر اساس منطق و مفاهیم نظریه‌ها و مکاتب گوناگون تحلیل و تبیین کرد. با این حال، باید توجه داشت که هریک از این نظریه‌های متعارف روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، به تنهایی قابلیت و توان کافی برای تحلیل تمامی ابعاد و کلیت شرایط حاکم بر روابط دو کشور را ندارند. بر این اساس، یکی از موضوع‌ها و مباحث مهم در مطالعه سیاست خارجی تهران و تفلیس، انتخاب رهیافت و رویکرد نظری مناسب است؛ چراکه هریک از نظریه‌های موجود بر اصول و مفروض‌های متمایزی استوار هستند که گزینش متغیرها، عوامل، فرایندها و مفاهیم خاصی را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی هر دو کشور ایجاب می‌کنند، اما همچنان در مورد این موضوع نیز در میان کارشناسان اتفاق نظر وجود ندارد (کولایی و رضایی، ۱۳۹۶: ۹۴۰). این اختلاف نظرها از یک سو، به نوع روابط دوجانبه و منطقه‌ای دو کشور برمی‌گردد و از سوی دیگر، به ماهیت و هویت ایران (به عنوان کشوری انقلابی) و گرجستان (به عنوان کشوری غرب‌گرا با گرایش‌های

فراآتلانتیکی) مربوط می‌شود. بدین مفهوم، در روابط ایران و گرجستان، فضای حاکم، معلول متغیرهای متعدد و متفاوتی در سطوح مختلف تحلیل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

یکی از مهم‌ترین تعارضاتی که می‌تواند در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و گرجستان به وجود بیاید، در حوزه نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است که اختلافات ایران با این کشورها بیشتر زمینه‌هایی ایدئولوژیکی دارد و ریشه‌های تعارض این کشورها با ایران می‌تواند بر سایر روابط با کشورهای دیگر تسری یابد. چراکه حضور قدرت‌های خارجی هم به صورت اقتصادی است و هم به صورت امنیتی-سیاسی. در قسمت اول می‌تواند بانفوذ مستقیم کشورها صورت می‌گیرد و در قسمت دوم نیز بیشتر در قالب همکاری با ناتو می‌تواند امنیت ملی کشور ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

۲. روابط ایران و گرجستان

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوری‌های آن از جمله گرجستان، حاکمیت و استقلال گرجستان را به رسمیت شناخت. این دو کشور اگرچه دارای ریشه‌های مشترک عمیق تاریخی و ظرفیت‌های بسیار بالایی برای گسترش همکاری بودند، اما وجود برخی عوامل همکاری‌های تفلیس و تهران را در سطح بسیار نازلی قرار داده است. ظهور قفقاز به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک متمایز و مهم در عرصه سیاست جهانی، تأثیرات بسیاری بر محیط سیاسی و مناسبات منطقه‌ای و جهانی ایران به ارمغان آورده است.

این تحولات برای ایران به‌عنوان یکی از همسایگان اتحاد جماهیر شوروی، بسیار بااهمیت بوده و موجب شکل‌گیری مرحله نوینی در سیاست منطقه‌ای ایران شد. در این مرحله، نه تنها ماهیت دولت‌های همسایه کشورمان دستخوش تغییر و تحول گردید و بر تعداد همسایگان شمالی آن افزوده شد، بلکه مفاهیم مربوط به بررسی روابط دوجانبه ایران با همسایگان شمالی نیز رنگ دیگری به خود گرفت. تا قبل از فروپاشی شوروی، روابط ایران با این کشور، عمدتاً بر محور رابطه نامتقارن قابل توضیح و تحلیل بود. در سال‌های اولیه استقلال این کشور روابط تجاری نسبتاً متعادلی بین دو کشور برقرار بود اما به تدریج صادرات ایران به این کشور نسبت به واردات افزایش یافته است در طول این

دوران، روابط بازرگانی بین دو کشور بخش مهمی از روابط اقتصادی را تشکیل داده است.

۱-۲. اهمیت ژئوپلیتیکی

ایران برای گرجستان بسیار حائز اهمیت است. عواملی مانند ساختار اقتصادی، اهداف سیاسی و جغرافیایی - اقتصادی، جایگاه استراتژیک ایران در منطقه (ارتباط با خلیج فارس و دریای آزاد)، پیشینه تاریخی و تمدن کشور، عوامل فرهنگی، سیاست‌های دفاعی ایران و اهمیت آن به‌عنوان قطب مهمی در ایجاد ثبات در منطقه، منابع سرشار ایران و بازارهای آن و عوامل دیگر همگی از نکات موردتوجه گرجستان است. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و ارتباط‌های گسترده و فراوان، یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه از منافع سیاسی و اقتصادی زیادی در قفقاز جنوبی، خاصه در گرجستان برخوردار است. از طرف دیگر ایران به دلیل ارتباط با سواحل جنوبی دریای خزر و سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان نه‌فقط برای کشورهای هم‌مرز، بلکه برای مناطق قفقاز، آسیای مرکزی و جهان عرب حلقه رابط است. باید در نظر داشت که نیاز یک‌طرفه گرجستان نیست که گسترش روابط دوجانبه را ضروری کرده، بلکه نیاز متقابل ایران به امکانات و موقعیت جغرافیایی گرجستان نیز مؤثر است.

گرجستان به‌عنوان کشوری واقع در قفقاز جنوبی به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی، استراتژیک و ژئوپلیتیکی مناسب و هم‌جواری با منطقه دریای سیاه می‌تواند شرایط فوق‌العاده‌ای را برای فعالیت‌های اتحادیه اروپا و ناتو به‌عنوان حلقه وصل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا یا کریدور شرق به غرب ایجاد کند. این کشور با دارا بودن موقعیت جغرافیایی، از پتانسیل بالایی برخوردار است تا بتواند مسیری مهم برای ترانزیت انرژی و کالا باشد. لذا برای جامعه یورو آتلانتیکی، به‌نوعی محل اتصال غرب با آسیای مرکزی است و به لحاظ استراتژیکی برای اتحادیه اروپا و ناتو، به‌منظور گسترش به شرق خواهد بود (Michael Tanchum, 2015: 8).

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گرجستان تعامل نسبتاً اندکی با ایران داشته است و در عوض، محور آرمان‌های آن غرب و محور نگرانی‌های آن روسیه بوده است. در سالیان اخیر، حتی تعامل نسبتاً اندک‌بین ایران و گرجستان به‌واسطه تحریم‌های بسیار

سخت‌گیرانه مورد اجرای جامعه بین‌الملل علیه ایران به چالش کشیده شده است. گرچه، در جولای ۲۰۱۵، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) امضا شد و تحریم‌های هسته‌ای ۶ ماه بعد به حالت تعلیق درآمد. این مسئله منجر به طرح مجدد مباحث پیرامون نقش بالقوه ایران در منطقه شده است (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا ۱۳۹۶/۰۱/۱۴).

۲-۲. اهمیت ژئواکونومیکی

گرجستان به‌عنوان کشوری واقع در قفقاز جنوبی به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی، استراتژیک و ژئوپلیتیکی مناسب و هم‌جواری با منطقه دریای سیاه می‌تواند شرایط فوق‌العاده‌ای را برای فعالیت‌های اتحادیه اروپا و ناتو به‌عنوان حلقه وصل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا یا کریدور شرق به غرب ایجاد کند. پس از نفت و گاز، محور بحث بعدی در مورد فرصت‌های ارائه‌شده از سوی ایران صنعت گردشگری است. پس از حذف روادید برای سفر از ایران به گرجستان در نوامبر ۲۰۱۰، تعداد گردشگران ایرانی در گرجستان به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافت؛ اما با اجرای مجدد طرح ضرورت صدور روادید در سال ۲۰۱۳، تعداد گردشگران به‌طور چشمگیری کاهش یافت، لیکن پس از لغو مجدد روادید پس از امضای برجام در اوایل سال ۲۰۱۶، تعداد گردشگران، به‌سرعت افزایش یافت (کاظم زاده، ۱۳۹۵). دسترسی این کشور به اتحادیه اروپا هدف مدنظر آن برای جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد توسعه اقتصادی آن محسوب می‌شود.

جدول ۱ مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران با گرجستان (ارزش: میلیون دلار)

سال	صادرات به گرجستان	واردات از گرجستان	سال	صادرات به گرجستان	واردات از گرجستان
۲۰۰۰	۷	۱۵	۲۰۰۸	-	-
۲۰۰۱	۲۲	۱۳	۲۰۰۹	۴۵	۵
۲۰۰۲	۳۳	۱۷	۲۰۱۰	۵۵	۱۴
۲۰۰۳	۳۲	۱۵	۲۰۱۱	۶۲	۱۰
۲۰۰۴	۳۶	۱۰	۲۰۱۲	۱۰۲	۲۹
۲۰۰۵	۴۸	۷	۲۰۱۳	۱۳۶	۵۶
۲۰۰۶	۴۴	۵	۲۰۱۴	۱۱۰	۵۴
۲۰۰۷	-	-	۲۰۱۵	۸۳	۱۸

منبع: wits.worldbank.org

حجم صادرات ایران نسبت به واردات آن در سال‌های گذشته بیشتر از واردات آن از گرجستان بوده است و تراز تجاری همیشه برای ایران مثبت بوده است؛ چنانچه در سال ۲۰۱۲ برای اولین بار میزان صادرات ایران به گرجستان به رقم ۱۰۲ میلیون دلار می‌رسد و پس‌از آن بالاترین میزان در طول این سال‌ها را در سال ۲۰۱۳ با رقم ۱۳۶ میلیون دلار ثبت می‌گردد. می‌توان مهم‌ترین دلیل این فراز و نشیب را حضور دیگر بازیگران و رقیب برای برقراری ارتباط با این کشور دانست؛ که هم در زمینه‌های سیاسی و امنیتی نقش داشته‌اند و هم در زمینه‌های اقتصادی موجب واگرایی این جمهوری با ایران شده‌اند. قیر نفت، شیشه فلوت ساییده شده، ماشین‌آلات کارکرده، ماشین‌های مخلوط کردن مواد معدنی با قیر و روی و کائوچو مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران به گرجستان و در مقابل چوب اره شده و نورد شده، لوله‌های توخالی آهن و فولاد، بیشترین کالاهای وارداتی ایران از گرجستان است. اما آنچه بیشتر در این سال‌ها مشهود است روند واردات پس از حضور کشورهای آمریکا در گرجستان و نفوذ اسرائیل، رو به کاهش است و باتوجه به گسترش حضور این کشورها و عدم توجه ایران ممکن است در سال‌های آتی جایگاه خود را از دست بدهد (نشریه تخصصی امور گمرک، ۱۳۹۵/۱۱/۱۹).

این موارد نشان از جایگاه گرجستان در فضای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد که یکی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها را باید در جهت روابط فی‌مابین اتحادیه اروپا و گرجستان دانست، چراکه با فضای به وجود آمده امکان گسترش این روابط در سال‌های دیگر بیشتر خواهد شد. همچنین ایران باید به گرجستان به‌عنوان پل ارتباطی با اتحادیه اروپا بنگرد و از این کشور نهایت استفاده را در کریدور شمال انجام دهد.

۳. عوامل اقتصادی و امنیتی - نظامی مؤثر بر واگرایی روابط ایران - گرجستان

۳-۱. روابط گرجستان با اسرائیل

پس از فروپاشی شوروی و تقسیم این امپراتوری بین کشورهای مشترک‌المنافع، کشور گرجستان نیز به برقراری روابط با دیگر کشورها از جمله اسرائیل روی آورد و در تاریخ یکم ژوئن ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک این دو آغاز شد. تا سال ۲۰۰۸ گرجستان دو سفیر را به اسرائیل اعزام داشته است. طی این سال‌ها مذاکرات سیاسی دو یا چندجانبه متعددی میان دو کشور در سطوح مقامات رسمی، پارلمانی و گروه‌های دوستی صورت گرفته

است. رئیس‌جمهور گرجستان تا سال ۲۰۰۸ هفت بار از اسرائیل دیدن کرده است که آخرین آن به مناسبت شرکت در مراسم شصتمین سالگرد اعلام موجودیت این رژیم صورت گرفت. علاوه بر رئیس‌جمهور، چندین سفر در سطح وزارت امور خارجه نیز به اسرائیل انجام شده است.

اما در یک نگاه کلی، اسرائیل و گرجستان از روابط و همکاری‌های چندگانه و مستحکم میان خود بهره می‌برند. در واقع اسرائیل یکی از اولین کشورهایی است که پس از سیل سال ۲۰۱۵ تفلیس به دولت گرجستان کمک کرد. اسرائیل و گرجستان درباره رژیم برداشتن ویزا در میان خود در سال ۲۰۱۳ به توافق رسیدند. این اقدامات تأثیر مطلوبی بر صنعت توریسم گرجستان گذاشت. صد هزار اسرائیلی در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۴-۱۳۹۵) وارد این کشور شدند که نسبت به سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۳-۱۳۹۴) رشدی ۵۷ درصدی داشته است؛ اما در مورد اهداف این دست همکاری‌ها، یووال فوجس سفیر سابق اسرائیل در گرجستان می‌گوید: «گاهی اوقات کشورهای کوچک می‌توانند در شرایط خاصی مهم و با اهمیت باشند» (Shafer, 2016). به زعم وی گرجستان برای اسرائیل به لحاظ اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی حائز اهمیت است. نکته مهم این است که سرمایه‌داران و تکنولوژی اسرائیلی و یهودی در اقتصاد کوچک و پراکنده گرجستان حضور دارند. این امر در تنظیم سیاست‌های منطقه‌ای تفلیس و به‌ویژه در نوع مناسبات با تهران و نیز نحوه نگرش به اسرائیل در مجامع بین‌المللی بی‌تأثیر نیست (Shafer, 2016).

الف) همکاری اقتصادی

برای درک روابط عمیق اسرائیل و گرجستان همین بس که «دیوید بن گوریون» نخستین رئیس‌جمهوری اسرائیل، گرجستانی الاصل بود؛ اما پس از فروپاشی شوروی و به‌ویژه از سال ۲۰۰۳ و رخداد انقلاب رز در گرجستان، حضور اسرائیل و یهودیان در قفقاز جنوبی و به‌طور ویژه در گرجستان رو به افزایش رفت. همواره تمایل و انگیزه‌های تل‌آویو برای ارتقای این روابط، بر اساس دلایل سیاسی، امنیتی و اقتصادی بیشتر از تفلیس بوده است. علاوه بر توانمندی‌های اسرائیل در مسائل امنیتی و سیاسی، در بخش‌های کشاورزی، صنعت، ساختمان و گردشگری از یک‌سو و نیاز گرجستان به بهره‌گیری از روش‌های علمی و سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها به همراه زمینه‌های

ذهنیتی مثبت نسبت به این کشور از عوامل تعیین کننده در افزایش همکاری های متقابل بوده است. برای نمونه، مزیت نسبی اسرائیل در کشاورزی سبب شد از سال ۱۹۹۸ تاکنون، همکاری ملی گسترده ای میان این رژیم با گرجستان صورت پذیرد و در سال ۲۰۱۴، این همکاری وارد مرحله تازه ای شود (Levitt, 2014: 7).

جدول ۲ مبادلات تجاری گرجستان با اسرائیل (ارزش: میلیون دلار)

سال	صادرات به اسرائیل	واردات از اسرائیل	سال	صادرات به اسرائیل	واردات از اسرائیل
۲۰۰۰	پایین تر از ۱ میلیون (۵۳۵)	۲	۲۰۰۸	۳	۳۹
۲۰۰۱	پایین تر از ۱ میلیون (۵۳۷)	پایین تر از ۱ میلیون (۸۰۲)	۲۰۰۹	۲	۷۱
۲۰۰۲	پایین تر از ۱ میلیون (۷۷۸)	۱	۲۰۱۰	۴	۱۴/۵
۲۰۰۳	پایین تر از ۱ میلیون (۹۸)	۱	۲۰۱۱	۳	۲۸
۲۰۰۴	۲	۴/۵	۲۰۱۲	۳۶	۳۲
۲۰۰۵	۱	۹	۲۰۱۳	۲/۵	۳۱
۲۰۰۶	۳	۲۲	۲۰۱۴	۴/۵	۴۱/۵
۲۰۰۷	۱۳	۲۳	۲۰۱۵	۶/۵	۲۲/۵
۲۰۱۶	۵	۱۰			

منبع: wits.worldbank.org

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می گردد، در سال ۲۰۰۰ گرجستان و اسرائیل جایگاه خاصی در عرصه اقتصادی یکدیگر نداشته اند تا آنکه در سال ۲۰۰۷ رقم صادرات کالا به اسرائیل و واردات به این کشور دورقمی می شود. با توجه به تسهیلاتی که دولت گرجستان برای سرمایه گذاران اسرائیل فراهم نمود، حجم صادرات از اسرائیل به گرجستان از مبلغ ۹۸ هزار دلار در سال ۲۰۰۳ به ۳۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ رسید. هرچند حجم این حجم مبادلات بسیار بالا نیست، اما اگر در قیاس با اقتصاد کوچک گرجستان مورد توجه قرار گیرد، به خوبی می تواند نقش و جایگاه روبه گسترش اسرائیل

در اقتصاد این کشور را نشان دهد. علاوه بر مبادلات تجاری، مسئله مهم دیگر برای اسرائیل، موضوع انتقال انرژی قرار دارد (مرکز مطالعات صلح، ۱۳۹۱/۰۲/۳۰).

اسرائیل، دیگر بازیگری است که در سال‌های اخیر در عرصه‌های مختلف، از جمله در عرصه دیپلماسی علمی، فعالیت‌های خود را در گرجستان توسعه داده است. به‌طور کلی، در چند سال اخیر دیپلماسی علمی به‌عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی به‌طور ویژه مورد توجه مقام‌های اسرائیلی قرار گرفته است. اسرائیل در سال‌های اخیر در رشته‌های گوناگون پیشرفت‌های فراوانی داشته است. بر اساس آمار منتشر شده از سوی مرکز یو. اس. نیوز در سال ۲۰۱۶ سه دانشگاه وایمن، عبری اورشلیم و تل‌آویو جزو سه دانشگاه اول منطقه و ۲۰ دانشگاه برتر آسیا قرار گرفته‌اند (کولایی و عزیز، ۱۳۹۶: ۱۰۶۰).

یکی از سیاست‌های اسرائیل برای معرفی خود به جهانیان و به‌ویژه یهودیان ساکن در دیگر کشورها، برگزاری همایش‌های علمی- پژوهشی و تورهای بازدید علمی در سرزمین‌های اشغالی است. یکی از نهادهایی که این اقدام‌ها را انجام می‌دهد، مؤسسه تکلیت است. تکلیت از بزرگ‌ترین مؤسسه‌های مسافرتی آموزشی در جهان به شمار می‌رود. در مورد گرجستان نیز همچون بسیاری از دیگر کشورهای جهان، اسرائیل سعی دارد با بهره‌گیری از این‌گونه ابزارها، نسبت به زمینه‌سازی استفاده از دیپلماسی عمومی و در پی آن، افزایش نفوذ و تأمین منافع خود اقدام کند (کولایی و عزیز، ۱۳۹۶: ۱۰۶۰).

با توجه به حضور مستقیم اسرائیل در گرجستان و سرمایه‌گذاری این کشور در زمینه‌های مختلف، این امر می‌تواند حضور ایران را به شکل روزافزونی کمتر کند. این روند زمانی خود را نشان خواهد داد که قراردادهای اقتصادی به‌صورت پیمان‌های چندجانبه میان کشورهای قفقاز جنوبی از جمله گرجستان با اسرائیل امضاء شود؛ که این معاهدات قطعاً از مسئله اقتصادی به زمینه امنیتی نیز تسری خواهد یافت که خود بزرگ‌ترین خطر را برای جمهوری اسلامی در پی خواهد داشت.

ب) همکاری امنیتی

اسرائیل از سال ۲۰۰۰ میلادی روابط نظامی و فروش تسلیحات به گرجستان را پس از مهاجرت برخی شهروندان یهودی گرجستان به این کشور و موفقیت آن‌ها در امر تجارت آغاز کرد. داویت کزراش، وزیر دفاع یهودی گرجستان که به‌خوبی زبان عبری را

صحبت می‌کند، در بهبود همکاری نظامی اسرائیل - گرجستان دخالت فراوانی داشته است. مداخله اسرائیل در قفقاز در اواخر دهه ۲۰۰۰ هنگامی که وزارت خارجه دپارتمان‌های ویژه قفقاز و آسیای مرکزی را تأسیس کرد، افزایش یافت. سیاست اسرائیل در طول دوره نسبتاً کوتاه متمرکز کردن بیشتر منابعش در منطقه، دو مرحله عمده را پشت سر گذاشته است. نخستین مرحله پیش از سال ۲۰۰۸ و با تمرکز بر گرجستان اتفاق افتاد. اسرائیل به آموزش ارتش گرجستان مبادرت ورزید و به شرکت‌های دفاعی بخش خصوصی اجازه داد گرجستان را به هواپیماهای بدون سرنشین و تجهیزات پیشرفته مجهز کنند. پس از جنگ اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸ اسرائیل حضور آشکارش را در گرجستان کاهش داد تا از برانگیختن دشمنی مسکو اجتناب کند. به‌منظور جبران این کاهش روابط، حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان افزایش یافت (ایراس، ۱۳۹۳/۱۲/۰۵).

تل‌آویو به موازات گسترش روابط اطلاعاتی و امنیتی با گرجستان، طی سال‌های اخیر کوشیده است از گرایش‌های غرب‌گرایانه دولت گرجستان در راستای ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی و لجستیکی مطمئن علیه ایران بهره‌برداری کند. زیوی ماگین، از کارشناسان مسائل سیاسی - نظامی، یکی از اهداف اسرائیل در تحویل انواع جنگ‌افزارها به گرجستان را فراهم نمودن زمینه حمله نظامی به ایران می‌داند و معتقد است: «اسرائیل هم‌زمان با ارسال این جنگنده‌ها، پایگاه نظامی از گرجستان تحویل می‌گیرد. اسرائیل تصمیم دارد با این کار از خاک گرجستان برای حمله به ایران استفاده کند» (کوزه گر کالچی، ۱۳۹۱).

در صورتی که روزی اسرائیل تصمیم بگیرد به ایران حمله کند باید گرجستان از امکانات لازم برای همراه ساختن جنگنده‌های مدرن اسرائیل بهره‌مند باشد. اسرائیل از جنگنده‌های پیشرفته اف ۱۶ و سوفاف ۱۰۷ که همه ساخت آمریکا هستند استفاده می‌کند که برای استفاده از آن‌ها مدرن بودن دستگاه نظامی گرجستان الزامی است. اسرائیل جنگنده‌های سوفاف ۱۰۷ را تنها برای استفاده از حمله احتمالی به ایران از آمریکا خریده است. علاوه بر آن کار نصب رادارهای پیشرفته در مناطق جنوب غربی گرجستان برای پوشش دادن مناطق هوایی شمال و شمال غرب ایران تا سال ۱۳۸۹ به پایان رسیده است.



همچنین پایگاه نظامی مارنیولی در جنوب تفلیس، پایتخت گرجستان نیز به طور کامل در اختیار نیروی هوایی اسرائیل قرار گرفته است (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۸۹/۰۷/۲۶).

یکی از اهداف مهم اسرائیل از گسترش مناسبات با گرجستان را باید تحت فشار قرار دادن روسیه دانست. اسرائیل به طرز هوشمندانه و زیرکانه‌ای از اختلافات روسیه و گرجستان برای تحت فشار قرار دادن مسکو برای تعدیل و یا کاهش میزان حمایت کرملین از ایران و سوریه در طی سال‌های اخیر استفاده کرده است. از این رو، اسرائیل برای اجرای سناریوی حمله پیش‌دستانه خود به ایران، گرجستان را یکی از مهم‌ترین پایگاهی لجستیکی و اطلاعاتی خود می‌داند و این هدف را در دستور کار خود دارد تا در صورت حمله نظامی علیه تا سیاست اتمی و مراکز نظامی ایران از آن بهره‌برداری لازم را بنماید (مرکز مطالعات صلح، ۱۳۹۱/۰۲/۳۰).

با توجه به اینکه اسرائیل معتقد است که هدف جمهوری اسلامی ایران نابودی کامل آن است و پس از توافق هسته‌ای، نیز همچنان برنامه هسته‌ای و موشکی ایران را با اهداف نظامی و خصمانه علیه خودارزیابی می‌کنند؛ بنابراین، خود را ملزم به حضور در نزدیکی مرزهای ایران برای جنگ احتمالی با تهران می‌داند. از همین رو، برای اسرائیل یکی از کشورهایی که می‌تواند واجد چنین جایگاه جغرافیایی برای مقاصد نظامی باشد، گرجستان است. به همین دلیل، مقامات تل‌آویو معتقدند هم در این کشور حضور فیزیکی و پایگاه نظامی و لجستیکی داشته باشند و هم از نزدیکی و عمق یافتن مناسبات تهران تفلیس جلوگیری کنند (کولایی و رضایی، ۱۳۹۶: ۹۴۰).

از سوی دیگر، قرار است سواحل غربی گرجستان در دریای سیاه نیز - توسعه یابند و به اندازه‌ای نو شوند که بتوانند ناوها و کشتی‌های غول‌پیکر ترابری نظامی در آن‌ها پهلو بگیرند. از این رو، اسرائیل برای اجرای سناریوی حمله پیش‌دستانه خود به ایران، گرجستان را یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های لجستیکی و اطلاعاتی خود می‌داند و این هدف را در دستور کار خود داده تا در صورت نیاز به حمله نظامی علیه تأسیسات اتمی و مراکز نظامی ایران بهره‌برداری لازم را داشته باشد. رژیم اسرائیل در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا از گرایش‌های غرب‌گرایانه تفلیس در راستای ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی و لجستیکی مطمئن علیه ایران بهره‌برداری کند؛ یعنی هم‌زمان با ارسال جنگنده‌های

پیشرفته و چندمنظوره آمریکایی به گرجستان، پایگاه نظامی از گرجستان تحویل می‌گیرد. همچنین پایگاه نظامی «مارنیولی» در جنوب تفلیس نیز به‌طور کامل در اختیار نیروی هوایی اسرائیل قرار گرفته است (Dumbadze, 2016: 3-5).

پس از جنگ روسیه و گرجستان (۲۰۰۸)، پیوندهای تفلیس و تل‌آویو آن‌چنان گسترش یافت که در حال حاضر، پیامدهای گسترش حضور اسرائیل در گرجستان و توسعه دامنه نفوذ و قدرت مانور اسرائیل و به‌عبارت‌دیگر، افزایش عمق راهبردی این کشور در منطقه قفقاز جنوبی به ضرر امنیت ملی ایران است. در واقع، پیامد توسعه مناسبات اسرائیل و گرجستان برای ایران، افزایش دامنه حضور اطلاعاتی و لجستیکی اسرائیل در مرزهای شمالی آن خواهد بود که به موازات تشدید مناسبات اطلاعاتی- نظامی و از نظر امنیتی، قادر است چالش‌های جدی را برای ایران در پی داشته باشد. ضمن اینکه می‌تواند بر توسعه مناسبات دوجانبه تهران-تفلیس نیز اثر نامطلوبی برجای بگذارد. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران در مقام یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه و تمرکز راهبردی بر منطقه قفقاز جنوبی به‌عنوان محیط امنیتی پیرامونی خود، شرایط ویژه‌ای در تعاملات بین‌المللی ندارد. از همین رو، افزایش حضور و نفوذ بازیگران فرا منطقه‌ای را با حساسیت در نظر دارد؛ چراکه هرگونه همکاری سیاسی- امنیتی گرجستان با اسرائیل، با توجه به سیاست‌گذاری امنیتی- راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در جهت کاهش سطح تأثیرگذاری مثبت و تهدیدی برای امنیت ملی ایران تلقی شود. از این رو، توسعه مناسبات اسرائیل و گرجستان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی، سبب واگرایی روابط تهران- تفلیس می‌شود (کولایی و رضایی، ۱۳۹۶: ۹۴۰).

۲-۳. روابط گرجستان و ایالات متحده

الف) همکاری اقتصادی

گرجستان در منطقه‌ای واقع شده است که به دلیل وجود بحران‌ها و بلوک‌بندی‌ها در قفقاز شمالی و تنش‌های آذربایجان و ارمنستان دارای حساسیت و اهمیت خاصی می‌باشد که به یک مرکز مسابقه ژئوپلیتیک میان روسیه و آمریکا نیز برای سلطه نظم دلخواه بین‌المللی تبدیل شده است (Lynch, 2006: 7). این ویژگی‌های خاص، سبب به هم خوردن معادلات قدرت در این کشور شده که نمونه مهم آن در سایه رقابت آمریکا

و روسیه در جنگ اوت ۲۰۰۸ گرجستان نمایان گشت. وقوع جنگ اوت ۲۰۰۸ را می‌توان در دودسته عوامل داخلی و خارجی تبیین کرد. وقوع این جنگ از یک سو برای سلطه خواهی آمریکایی و یا به بیان دیگر برای نشان دادن تمایلاتش به تک قطبی بودن و رهبری جهان و از سوی دیگر مقاومت قدرت برتر منطقه یعنی روسیه برای جلوگیری از صدمات این نوع نظم در مناطق راهبردی قابل تفسیر است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۷).

اهداف اقتصادی آمریکا در گرجستان در سه حوزه اساسی قرار می‌گیرد از جمله:

۱ - تضمین فرصت‌های ژئواکونومیکی شامل (کاهش وابستگی به نفت خلیج فارس، بهره‌برداری از منابع جدید نفت و گاز، ایجاد خطوط انتقال انرژی و کنترل آن‌ها) بهره‌برداری از منابع جدید نفت و گاز، ایجاد خطوط انتقال انرژی و کنترل آن‌ها؛ ۲ - فرصت‌های ژئوپلیتیکی شامل ۳ دسترسی مستقیم به سرزمین، فضای رقبا، مخالفین، اعمال فشار و ایجاد رعب برای آن‌ها نظیر ایران و روسیه، سلطه بر منابع انرژی و جلوگیری از مشارکت روسیه در طرح‌های نفت و گاز؛ ۳ - فرصت‌های ژئواستراتژیک شامل، همکاری‌های نظامی با گرجستان، ورود گرجستان به ناتو، تنگ کردن حلقه محاصره روسیه و مبارزه با تروریسم (حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۴ - ۲۲۵).

ایالات متحده با کنترل درآوردن ترانزیت انرژی، توسعه ناتو به شرق برای اهداف دیگر خود از جمله مهار و کنترل اسلام‌گرایی، محدود کردن قدرت ایران، جلوگیری از تشکیل قطب مخالف، تأمین منافع و امنیت اسرائیل، کنترل نفت خلیج فارس و خزر به حضور و نفوذ در تفلیس نیازمند است (ملکوتیان و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

جدول ۳ مبادلات تجاری گرجستان با آمریکا (ارزش: میلیون دلار)

سال	صادرات به آمریکا	واردات از آمریکا	سال	صادرات به آمریکا	واردات از آمریکا
۲۰۰۰	۷	۶۹	۲۰۰۸	۱۰۲	۲۴۱
۲۰۰۱	۸	۶۳	۲۰۰۹	۳۶	۲۳۱
۲۰۰۲	۱۳	۶۸	۲۰۱۰	۱۸۷	۱۸۰
۲۰۰۳	۱۵	۹۰	۲۰۱۱	۱۴۳	۲۴۵
۲۰۰۴	۲۱	۱۱۰	۲۰۱۲	۲۲۶	۲۱۳
۲۰۰۵	۲۶	۱۴۸	۲۰۱۳	۱۳۷	۲۵۴
۲۰۰۶	۵۸	۱۲۹	۲۰۱۴	۲۰۷	۲۸۷
۲۰۰۷	۱۴۹	۱۸۴	۲۰۱۵	۱۰۴	۲۵۳
۲۰۱۶	۶۸	۲۱۳			

منبع: wits.worldbank.org

همان‌طور که در این آمار مشاهده می‌شود، میزان روابط تجاری میان این دو کشور بسیار بالاست، به طوری که آمریکا بیشترین میزان روابط تجاری را در منطقه قفقاز جنوبی با این کشور داشته است. یکی از دلایل اصلی آن ارتباط این کشور با آب‌های آزاد است؛ که سایر کشورها از این مزیت بی‌نصیب می‌باشند. از سویی دیگر اختلافات موجود میان گرجستان و روسیه و به تبع آن حمایت آمریکا از این کشور می‌باشد.

از سوی دیگر ایالات متحده برای گرجستان یک برنامه تبادل دانش‌آموختگان نیز در نظر گرفته که پس از آموزش افراد پذیرفته‌شده در این دوره، نسبت به حمایت از آنها برای به کار بستن مهارت‌های فراگرفته شده اقدام می‌کند. ایالات متحده همچنین مراکز آموزشی و اطلاع‌رسانی پیشرفته‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز دارد. مهم‌ترین آنها «گوشه‌های آمریکایی» هستند که نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ در روسیه شکل گرفتند و در سال ۲۰۰۲ دفتر روابط عمومی دولت آمریکا تصمیم گرفت آنها را در جمهوری‌های پیشین شوروی، اروپای شرقی، مرکزی و جنوب شرقی و خاورمیانه و خاور نزدیک برگزار کند. وظیفه این نهادها ترویج آگاهی در مورد سیاست خارجی آمریکا، سبک زندگی آمریکایی، کار و تحصیل در آمریکاست. در حال حاضر، ۱۰ گوشه آمریکایی در

گرجستان مشغول به فعالیت هستند (Embassy of the United States in Tbilisi, 2016). گرجستان یکی از اولین کشورهایی بود که قراردادی را با شرکت چالش هزاره به مدت پنج سال در سپتامبر ۲۰۰۵ به امضا رساند. این قرارداد در مجموع ۳/۳۹۵ میلیون دلار به پروژه‌های مختلف برای بازسازی زیرساخت‌های منطقه‌ای و توسعه بخش خصوصی اختصاص یافته است. در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۳، هیئت‌مدیره شرکت‌های چالش هزاره دولت، یک قرارداد پنج‌ساله و ۱۴۰ میلیون دلاری با گرجستان را تأیید کرد تا کیفیت سرمایه انسانی را با سرمایه‌گذاری در آموزش علم و فناوری و توسعه نیروی کار افزایش دهد. همچنین پس از تجاوز روسیه، ایالات متحده ۱ میلیارد دلار به گرجستان برای بهبود اقتصادی تعهد داد. این کمک توسط دولت ایالات متحده به صورت بسته دوساله برای تأمین مالی اقدامات باهدف کمک‌های بشردوستانه به آوارگان، اصلاح دموکراتیک و حاکمیت قانون، تحریک رشد اقتصادی و بازسازی زیرساخت‌ها مورد استفاده قرار گرفت. همکاری‌های انرژی یکی از ستون‌های اصلی روابط دوجانبه گرجستان و ایالات متحده است.

ایران با وجود کارشکنی آمریکا و حتی روسیه در مورد پروژه ساخت خط لوله تاناب - نابوکو، فرصت ورود به ساختار چندملیتی برای قراردادهای خط لوله را از دست داده است. با توجه به هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری و محدودیت منابع زیرسطحی شناخته شده جدید که باید وارد این خط لوله‌ها شود، این محرومیت توسط آمریکا، سیاست گاز طبیعی ایران را حتی برای چند دهه آینده دچار مشکل خواهد کرد. ایران همچنان جزء اهداف فرعی آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی است و قدرتی که آمریکا از طریق دنبال کردن اقداماتی مانند روابط فردی، تجارت، کمک و ارسال منابع مالی، مناسبات نظامی و سایر روابط امنیتی به دست آورده است، توانایی محدود کردن نفوذ اقتصادی ایران را فراهم می‌کند. بر این اساس، به آمریکا اجازه می‌دهد تا گفتگوهای مقام‌های ایرانی با مقام‌های گرجی در مورد انتقال منابع انرژی نفت و گاز از مسیر گرجستان به دریای سیاه را خنثی کند (کولایی و رضایی، ۱۳۹۶: ۹۴۰).

یکی از دلایل حضور و نفوذ اقتصادی قدرت‌های بزرگ در مناطق تحت نفوذ، آماده‌سازی شرایط در کشورها و مناطق مورد نظر در جهت حضور نظامی و امنیتی است.

همچنان که مشاهده می‌شود روابط اقتصادی آمریکا نسبت به ایران در سال‌های گذشته بسیار بیشتر است و این حجم از روابط با کشور گرجستان در سال‌های آتی موجب می‌شود تا ایران یکی از مهم‌ترین بازارهای خود در منطقه قفقاز جنوبی را از دست بدهد و به تبع آن این بازار در دست آمریکا قرار گیرد. همچنین از سویی دیگر این اقدام موجبات حضور نظامی ایالات متحده را در گرجستان فراهم کند و این خود دلیلی باشد در جهت واگرایی ایران با گرجستان.

ب) همکاری امنیتی

یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا نفوذ در ساختارهای سیاسی کشورهای قفقاز می‌باشد. در واقع یکی از سیاست‌های آمریکا، مقابله با بلندپروازی‌های روسیه بوده و برای اجرای این امر به توسعه نفوذ خود در قفقاز از جمله گرجستان نیازمند است تا به حضور نظامی روسیه پایان دهد (امیدی، ۱۳۸۸: ۹۴)؛ بنابراین نفوذ در ساختار سیاسی این کشور بهترین گزینه برای پیشبرد این سیاست است. برکناری شواردنادزه در نوامبر ۲۰۰۳ با انقلاب رز که بخشی از انقلاب‌های رنگی بود و به قدرت رسیدن میخائیل ساکاشویلی این فرصت را برای واشنگتن مهیا ساخت و ساکاشویلی خیلی زود به یکی از رهبران ضد روسی تبدیل شد (Newnham, 2015: 163).

در سال ۲۰۰۷، گرجستان تعداد کل نیروهای خود را به ۲۰۰۰ نفر در عراق رساند و سومین کشور از نظر نیروهای نظامی در این کشور شد و در حالی که تمامی این سربازان توسط مربیان آمریکایی آموزش دیده بودند، در شرق بغداد، یعنی نزدیک مرز با ایران مستقر بودند (Kramer, October 9, 2007). توان دفاعی گرجستان از طریق کمک‌های آمریکا افزایش قابل توجهی داشته است و گرجستان خواستار تعمیق این همکاری‌ها است. حمایت دولت آمریکا و تأکید آن بر لزوم پایان اشغال گری مناطق گرجستان برای دولت تفلیس اهمیت ویژه‌ای دارد. گرجستان حمایت سیاسی و نظامی خود را از ائتلاف‌های پیشنهادی آمریکا ادامه می‌دهد. نیروهای نظامی گرجستان که در چارچوب برنامه‌های آموزش و تمرین آمریکا آموزش دیده‌اند در عملیات بین‌المللی صلح از جمله برنامه ایساف ناتو در افغانستان شرکت می‌کنند. گرجستان و آمریکا در زمینه مبارزه با قاچاق مواد هسته‌ای نیز همکاری می‌کنند. «برنامه تعلیم و تجهیز گرجستان» یک برنامه

۱۸ ماهه و ۶۴ میلیون دلاری آمریکایی بود که باهدف ارتقای توانمندی‌های نیروهای مسلح گرجستان، آموزش و تجهیز چهار گردان ۶۰۰ نفره با سلاح‌های سبک، وسایل نقلیه و ارتباطات بود. این بودجه به آمریکا کمک می‌کرد تا تجهیز و تعلیم ارتش را تسریع بخشد و از سویی دیگر ارتش این کشور دارای آزادی عمل بیشتری باشد.

دشمنی میان ایران و آمریکا، جنبه امنیتی به روابط ایران و گرجستان بخشیده است. برای مثال، مسئولان ایرانی بارها از توسعه حضور نظامی ایالات متحده در این منطقه اظهار نگرانی کرده‌اند. از نظر تهران، تفلیس متحد واشنگتن در قفقاز است؛ بنابراین همکاری گرجستان با غرب و با امنیت ایران در ارتباط مستقیم قرار می‌گیرد. در این میان، مهم‌ترین محور همکاری‌های گرجی آمریکایی، کمک نظامی و حضور نظامی ایالات متحده در گرجستان است. برخی از تحلیلگران این موضوع را «ضمانت امنیت و استقلال گرجستان به برکت اعتبار نظامی و سیاسی آمریکا» در نظر می‌گیرند. برخی نیز بر این باورند که «ایالات متحده برای جنگ‌های منطقه‌ای تکیه‌گاه ایجاد می‌کند». برای نمونه، در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲ هیئت کارشناسان پدافند هوایی ایالات متحده وارد گرجستان شدند. این دیدار در قالبی که در منشور مشارکت راهبردی تفلیس واشنگتن که در ژانویه ۲۰۰۹ امضا شده بود، برگزار شد (Welt, 2010: 7).

این موضوع به این دلیل اهمیت دارد که در سال ۲۰۱۲ آمریکا و رژیم اسرائیل موضوع برنامه هسته‌ای ایران را در شدیدترین حالت به بحرانی بین‌المللی و جنگی تبدیل کرده بودند؛ بنابراین، این فرض مطرح بود که ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کند، در صورت راه‌اندازی جنگ علیه ایران، از خاک گرجستان به‌عنوان پایگاه تدارکاتی اصلی استفاده کند. در همان سال‌ها، واشنگتن بودجه قابل‌توجهی را به بازسازی فرودگاه نظامی در «وازیانی» و «مارنیولی» و همچنین در بنادر پوتی و باتومی اختصاص داده بود (کولایی و رضایی، ۱۳۹۶: ۹۴۲). همان‌طور که در بخش اقتصادی نیز بیان شد، روابط گرجستان و ایالات متحده نیز در سال‌های پس از استقلال این کشور بیشتر در مقابل حضور و نفوذ روسیه قرار گرفته است. همچنین در مقابل این نفوذ، یکی از مهم‌ترین دشمنان ایران بر اساس ساختارهای سیاست خارجی، ایالات متحده است که بانفوذ و حضور در این کشور موجبات واگرایی میان دو کشور را فراهم می‌کند. درحالی‌که ایران می‌تواند با

تأمین نیازهای این کشور در حوزه اقتصادی و ایجاد روند دوستی از حضور و نفوذ آمریکا در دو حوزه اقتصادی و امنیتی جلوگیری کند. این مسئله را می‌تواند در قالب کمیته‌های دوستی مشترک دو کشور نیز پیگیری کند.

۳-۳. روابط ناتو و گرجستان

گرجستان به‌عنوان دروازه ورودی قفقاز، استراتژی سیاست خارجی و امنیتی خود را الحاق به ساختارهای یورو - آتلانتیک به‌ویژه ناتو قرار داده است و در خلال بیش از یک دهه اخیر این سیاست و استراتژی از سوی دولتمردان این کشور دنبال و همواره تشدید گردیده است. کشوری نظیر گرجستان با این هدف نه‌تنها به دنبال تقویت ساختارهای نظامی و امنیتی خود است بلکه به دنبال نائل آمدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و مدنی و رفع مشکلات داخلی خود نیز می‌باشد. عضویت گرجستان مهم‌ترین فرصت برای ضمانت امنیتی بیشتر برای گرجستان است.

قفقاز جنوبی برای ناتو به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی و ژئواکونومیکی و همچنین همسایگی آن به منطقه دریای سیاه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. وجود ذخایر و منابع طبیعی وسیع و گسترده به‌ویژه انرژی در حوزه خزر، مرکز ثقل مهم و دالان حمل‌ونقل و ترانزیت انرژی و کالا، محل اتصال غرب با آسیای مرکزی، مرز جدید امنیتی اوراسیا، مرز مشترک یا حائل امنیتی اروپائی، اهمیت اقتصادی و بعد نظامی از جمله منافع است که قفقاز برای ناتو دارد. لذا ناتو با حضور در این منطقه و گسترش به این منطقه به دنبال منافع درازمدت و آتی خود و اعضای خود می‌باشد (Cordesman, 2013: 90-91).

مشارکت گرجستان در طرح «روند برنامه‌ریزی و بازنگری» از سال ۱۹۹۹ آغاز شد و به نیروهای ناتو نیز کمک کرد تا توانایی کار با گرجستان را بهبود بخشد و همچنین اهداف برنامه‌ریزی را که اهداف اصلاحات امنیتی در چندین منطقه هستند، فراهم کرد. برای مثال، پشتیبانی ناتو به گرجستان کمک کرد واحدهای قابل‌انعطاف (بر اساس استانداردهای ناتو) با نیروهای متفقین سازگار باشند. گرجستان توانسته است با مشارکت به‌طور منظم در برنامه مشارکت برای صلح، با حمایت از عملیات تحت رهبری ناتو، به‌طور جدی به امنیت یورو آتلانتیک کمک کند. نیروهای گرجستان در طول عملیات

حفظ صلح در کوزوو از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸ با نیروهای ناتو کار کردند و یک واحد برای پشتیبانی از نیروهای آلمانی و یک گروهان پیاده در یکی از گردان‌های ترکیه کار می‌کردند. گرجستان در عملیات دریایی ضد تروریستی ناتو در دریای مدیترانه، عمدتاً از طریق تبادل اطلاعات، شرکت داشت و همچنین این کشور در زمینه آگاهی از موقعیت‌های دریای سیاه در سال ۲۰۱۶ که به صورت نهادمندی در ناتو سازمان‌دهی شد؛ همکاری کرد. علاوه بر این، گرجستان در حال حاضر در نیروی واکنش سریع ناتو نیز شرکت می‌کند (www.nato.int, 2017).

ناتو از روند گسترده اصلاحات دموکراتیک و نهادی در گرجستان حمایت می‌کند. به‌خصوص در زمینه اصلاحات مربوط به بخش دفاع و امنیت، چنانچه ناتو و متحدانش در این زمینه‌ها دارای تخصص‌های قابل توجهی هستند که گرجستان می‌تواند به آن‌ها دست یابد. بحث همکاری با گرجستان در نشست ۲۰۱۴ ناتو در ولز به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و رهبران ناتو از بسته مهم ناتو - گرجستان حمایت کردند، از جمله آن‌ها شامل؛ ایجاد ظرفیت دفاع، آموزش، تمرینات، تقویت ارتباطات و فرصت‌های توسعه همکاری با متحدان نیروها بوده است (Embassy of the United States in Tbilisi). این اقدامات به منظور تقویت توانایی گرجستان برای دفاع از خود و همچنین پیشبرد آمادگی خود برای عضویت در ناتو است. در ماه جولای سال ۲۰۱۶ در نشست ناتو در شهر ورشو، برای تقویت همکاری و کمک به توانایی‌های جغرافیایی، قابلیت همکاری و قابلیت انعطاف‌پذیری، اقدامات جدیدی صورت گرفت. این ابتکارات شامل افزایش حمایت آموزشی و آموزش نیروهای گرجستانی، ارتباطات استراتژیک و توسعه دفاع هوایی و نظارت بر کشور گرجستان بوده است. همچنین در این نشست متحدان ناتو تصمیم گرفتند تمرکز خود را بر امنیت در منطقه دریای سیاه تقویت کنند (www.nato.int, 23 Aug. 2017).

ضمناً این منطقه به‌عنوان حائل امنیتی، می‌تواند به‌مانند مرز جدید ناتو برای این سازمان عمل نماید تا بر امور مناطق هم‌جوار از جمله ایران و روسیه کنترل داشته باشد.

جدول ۴ روند گسترش روابط ناتو با گرجستان ۱۹۹۹ - ۲۰۱۶

۱۹۹۹	کمک غیررسمی گرجستان به صلح‌بانان حاضر در کوزوو
ژوئن ۲۰۰۴	نشست استانبول؛ تمرکز رهبران ناتو بر قفقاز جنوبی، تصمیم‌گیری برای اختصاص یک نماینده از این منطقه
۲۰۰۴	پذیرفتن توافق ipap با nato از سوی گرجستان به‌عنوان اولین کشور
۲۰۰۵	امضا توافقنامه ترانزیتی میان ناتو و گرجستان، که اجازه می‌دهد تا ایساف کمک‌های خود را در افغانستان از طریق گرجستان و دیگر کشورهای عضو ارسال کند.
۲۰۰۶	گفتگوی جدی اعضای ناتو در خصوص عضویت گرجستان و بررسی اهداف آن برای پیوستن به این سازمان
آوریل ۲۰۰۸	اجلاس بخارست؛ بررسی شایستگی‌های گرجستان برای الحاق به ناتو
اگوست ۲۰۰۸	نگرانی متحدان نسبت به درگیری مسلحانه بین گرجستان و روسیه. پیشنهاد تشکیل گروه ناتو - گرجستان
سپتامبر ۲۰۰۸	سفر دوروزه وزیران خارجه ناتو به گرجستان، امضا اسناد چارچوب کمیسیون ناتو - گرجستان و جلسه افتتاحیه در تفلیس برگزار می‌شود. در ماه دسامبر، وزیران خارجه ناتو موافقت کردند که برنامه ملی سالانه را تحت نظارت Ngc توسعه دهند.
مارس ۲۰۱۰	توافقنامه برای یک پروژه جدید که به گرجستان کمک می‌کرد تا بازسازی پس از فجایع جنگ را انجام دهد.
آوریل ۲۰۱۰	توافق گرجستان با ناتو در زمینه همکاری برای عملیات مبارزه با تروریسم در دریای مدیترانه
اگوست ۲۰۱۰	تصمیم ناتو برای ارتقاء همکاری نظامی مؤثر در روابط ناتو-گرجستان (اجرای اولین کمیته نظامی سالانه در سال ۲۰۱۱ در گرجستان).
ژانویه ۲۰۱۵	اتمام عملیات ایساف در افغانستان در ماه دسامبر ۲۰۱۴؛ همکاری گرجستان برای کمک به نیروهای امنیتی افغانستان، مأموریت هدایت ناتو «حمایت قاطع»
ژوئیه ۲۰۱۵	میزبانی گرجستان در رزمایش ناتو؛ شامل بیش از ۷۰۰ سرباز از بلغارستان، گرجستان، لیتوانی، رومانی و آمریکا
سپتامبر ۲۰۱۶	سفر دوروزه سران ناتو به گرجستان؛ تأکید بر اهمیت و آماده برای توافق جدید
نوامبر ۲۰۱۶	تمرین ۱۰ روزه؛ با حضور ۲۵۰ نفر کارکنان، در مرکز آموزش و ارزیابی مشترک ناتو - گرجستان

منبع: www.nato.int

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به همسایگی منطقه قفقاز جنوبی، همواره به این منطقه به‌عنوان حاشیه امنیتی خود نگریسته و وجود امنیت در این منطقه را همانند امنیت در کشور خود تلقی نموده و برعکس وجود ناامنی و بی‌ثباتی همچون ناامن بودن مرزهای خود تلقی می‌نماید. لذا جمهوری اسلامی ایران نیز گسترش ناتو به سمت شرق و به‌ویژه منطقه قفقاز جنوبی را تهدید جدی امنیتی برای خود قلمداد می‌نماید. بی‌تردید گسترش ناتو در حاشیه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران تهدید جدی برای ایران است و این مهم با منافع کشورمان در تناقض آشکار است.

حضور ناتو به معنای تقویت حضور آمریکا در منطقه در چارچوب رقابت راهبردی آمریکا و ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی خواهد بود. بر این اساس، حضور ناتو به عنوان پیمانی امنیتی با عضویت ۲۶ کشور که همگی طرفدار الگوها و ارزش‌های غربی در چارچوب لیبرال-دموکراسی هستند به تقویت این موضع در منطقه خواهد انجامید (Cordesman, 2010: 13). تمامی این روابط بین ناتو و گرجستان خود ناشی از اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور در فضای منطقه‌ای و نظام بین‌المللی است. چراکه قفقاز جنوبی و خاصه گرجستان پس از اتفاقات سال ۲۰۰۸ و خصومت روسیه نسبت به این کشور اهمیت خاصی پیدا کرده است؛ از سویی دیگر نزدیکی به خاک جمهوری اسلامی ایران و روابط اقتصادی دوطرفه بر اهمیت این کشور افزوده است. آنچه بیشتر مغفول مانده است روابط امنیتی و نظامی است که ناتو جای خالی کشور ما را در این کشور پر کرده است. این عامل در سال‌های بعد خود می‌تواند به عنوان یک عاملی برای جدایی دو کشور و عاملی برای واگرایی دوطرفه در سال‌های بعد به صورت بلندمدت گردد.

نتیجه‌گیری

گرجستان را باید یکی از مهم‌ترین کشورهای واقع در قفقاز جنوبی دانست؛ این کشور از موقعیتی بسیار مهم و تأثیرگذار به لحاظ امنیتی و اقتصادی برخوردار است و شاید بهتر بتوان آن را به عنوان نزدیک‌ترین کشور به اتحادیه اروپا دانست، درحالی‌که با همین روند اگر ادامه دهد در چند سال آتی می‌تواند به عنوان یکی از اعضای اتحادیه اروپا مطرح شود. باید اذعان کرد که این کشور به لحاظ لجستیک برای ایران از درجه اهمیتی بالایی برخوردار است. اهم مباحث پیرامون عوامل واگرایی میان ایران و گرجستان را می‌توان از روابط این کشور با اسرائیل، ایالات متحده و ناتو نام برد. همان‌طور که در متن پژوهش نیز بدان اشاره شد؛ روابط گسترده اسرائیل در حوزه امنیتی اعم از؛ فروش تسلیحات، سفرهای مقامات امنیتی و سیاسی و همچنین گسترش روابط امنیتی در سال‌های گذشته باهدف مهار ایران و حفظ پایگاهی در مقابله با جمهوری اسلامی یکی از مواردی است که از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ نسبت به دهه گذشته آن موجب نگرانی و واگرایی شده است. همچنین سرمایه‌گذاری اقتصادی اسرائیل در این کشور و برنامه‌ریزی برای

جایگزینی خود نسبت به ایران توانسته در سال‌های اخیر پیشرفت چشم‌گیری را داشته باشد. از سوی دیگر حضور و نفوذ ایالات متحده در دو حوزه اقتصادی و امنیتی با توجه به جداول بالا، نشان از برنامه‌ریزی است که نسبت به گرجستان دارد. دو هدف گسترده آمریکا برای حضور در گرجستان را باید در سال‌های مورد مطالعه؛ مهار ایران و روسیه بدانیم. هدف اول که پس از جنگ ۲۰۰۸ تا حدودی محقق شد و توانست جایگاه خاصی را در این کشور کسب کند و در مورد مهار ایران نیز، تأسیس پایگاه نظامی، انجام رزمایش‌ها، انجام قراردادهای نظامی و گسترش روابط فی‌مابین در بین این سال‌ها تا حدود زیادی محقق شده و موجب کم شدن نفوذ و روابط ایران با این کشور شده است. چراکه هدف اصلی تأسیس پایگاه‌های نظامی در این کشور بیشتر مهار ایران که در حوزه هسته‌ای فعالیت می‌کند، بوده است. همچنین این کشور با گسترش روابط تجاری خود با گرجستان توانسته است تا حدود زیادی در بین ۵ کشور برتر در زمینه واردات گرجستان قرار گیرد که این مسئله خود موجب جدایی ایران با گرجستان شده است. از سوی دیگر حضور ناتو به‌عنوان قدرت برتر نظامی در گرجستان موجب نگرانی در حوزه امنیتی برای ایران را فراهم کرده است. هرچند بارها ایران در این موضوع تذکراتی را به گرجستان داده است، اما از سوی مقابل واکنش خاصی نسبت به حضور این کشور بیان نشده است. این روابط بیشتر پس از اعلام هسته‌ای شدن ایران گسترش یافت و رزمایش‌های ناتو در این کشور با دو هدف ایجاد امنیت گرجستان در مقابل روسیه و مهار ایران هسته‌ای صورت گرفت. گسترش روابط نظامی و آموزش نظامی در این کشور باعث ایجاد نگرانی و به‌تبع آن گسترش واگرایی میان ایران و گرجستان شده است. در این راستا می‌توان گفت اولویت اول تفلیس در سیاست خارجی کشورش نزدیکی به غرب و همکاری و همگرایی با آن بلوک در تعاملات و تبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است و به‌طور اخص روابط این کشور با اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و ناتو می‌باشد. آنچه بیشتر در جهت جلوگیری از واگرایی میان ایران و گرجستان نیز پیشنهاد می‌شود؛

— سرمایه‌گذاری در زمینه اقتصادی و حضور بازرگانان ایرانی در این کشور

— بالا بردن صادرات نفتی و گازی و ایجاد بستری مناسب برای استفاده از فضای ترانزیتی گرجستان در کریدور شمالی



_ ایجاد روابط سیاسی و امنیتی مناسب میان ایران و گرجستان به صورت نشست‌های بلندمدت

_ ایجاد فضای مناسب برای گفتگوی فرهنگی با توجه به داشتن فرهنگی نزدیک و تاریخی مشترک

بسیاری از عواملی که در فضای واگرایی میان ایران و گرجستان بیان شد ریشه در حضور بازیگران خارجی در این کشور دارد. ایران نیز با برنامه‌ای منسجم و مدون می‌تواند حضور خود را در این کشور هم در جهت روابط اقتصادی و هم سیاسی - امنیتی پررنگ‌تر نشان دهد. چراکه این حضور می‌تواند از به وجود آمدن واگرایی و به تبع آن به خطر افتادن امنیت ملی جلوگیری کند.

منابع

- امیدی، ع، ۱۳۸۸، «علل تطویل بحران داخلی در گرجستان پس از انقلاب رز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶، ۹۸ ص.
- امیراحمدیان، ب، ۱۳۸۸، جغرافیای کامل قفقاز، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۶۸ ص.
- امیراحمدیان، ب (۱۳۷۷). جغرافیای گرجستان. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۲۶ ص.
- حیدری، غ، ۱۳۹۰، «جایگاه ژئوپلیتیک قفقاز در سیاست قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۷، ۲۲۴-۲۲۵.
- دوئرتی، ج و فالتزگراف، ر، (۱۳۹۰)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، قومس، ۵۱۲ ص.
- طاهری، آ و فرهمند، ب، (۱۳۹۳)، «نقش تعامل و تقابل سیاست خارجی آمریکا و روسیه در توسعه منطقه قفقاز جنوبی: مطالعه موردی انرژی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره بیست و نهم، ص ۱۶۶.
- عطایی، ف، (۱۳۹۱)، «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۵، شماره ۱۰.
- قوام، س، ۱۳۸۴، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، سمت، تهران، ۲۵۰ ص.
- قوام، س، ۱۳۸۹، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، ۲۵۴ ص.
- کولایی، آ، (۱۳۸۹)، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۶، شماره ۱، ۱۱۴ ص.
- کولایی، ر و رضایی، مسعود (۱۳۹۶)، «عوامل خارجی مؤثر بر توسعه نیافتگی روابط ایران و گرجستان»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۹۴، شماره ۹، ۹۳۵-۹۵۰ ص.

کولایی، آ و عزیزی، ح، ۱۳۹۶، «دیپلماسی ایران در روابط با گرجستان»، فصلنامه سیاست، شماره ۴، ۱۰۶۰ ص.

متقی، آ، (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیکی موانع شکل‌گیری همگرایی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱.

مرادی، م، (۱۳۸۶)، «حضور ناتو در قفقاز جنوبی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز، سال ۱۶، دوره ۴، شماره ۵۹.

ملکووتیان، م و حسینی، س ۱۳۹۱، «موقعیت راهبردی گرجستان و تأثیر آن بر روابط با روسیه»، فصلنامه سیاست، ۳، ۱۶۱.

مویر، ر، ۱۳۷۹، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر با همکاری سیدیحیی رحیم صفوی، تهران انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۹۹ ص.

میررضوی، ف و احمدی‌لفورکی، ب، ۱۳۸۳، «راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، تهران، ابرار معاصر، ۵۲۷-۵۲۸ ص.

نیاکویی، س و بهمنش، ح ۱۳۹۱، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، ۴، ۱۰۶-۱۰۷ ص.

نشریه تخصصی امور گمرکی ۱۶ بهمن ۱۳۹۵ سال هجدهم؛ «گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران».

Bilateral Relations with the Islamic Republic of Iran”, Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Armenia (2012), <http://mfa.am/en/country-by-country/ir>, Accessed on: 24/5/ 2014

Cordesman, Anthony (Aug 13, 2010), “**Iranian Strategic Competition with the US: The Military Dimension**”, at: <http://csis.org/publication/iranian-strategic-competition>

Dumbadze, D., 2016, **Oscillating Between Israel and Iran, Will Georgia Tilt toward the Islamic Republic?** Eurasia Daily Monitor, Vol. 13, No. 131, July 20,

Embassy of the United States in Tbilisi(2016), “Programs”, available at: <https://georgia.usembassy.gov/resources.html>(access ed on: 10/20/2016)

Kramer, M. 2009. “**The Myth Of A No-NATO-Enlargement Pledge To Russia**”. Washington Quarterly, 32(2), 39-61

Levitt, J., 2014, **Israel, Georgia Sign Economic Cooperation Agreement**, January 30, <http://www.ucsj.org/2014/01/30/israel-georgia-sign-economic-cooperation-agreement>.

Lynch, D. 2006. **Why Georgia Matters**. Institute for Security Studies, European Union. √.

Newnham, R. E. (2015). “**Georgia on my mind? Russian sanctions and the end of the ‘Rose Revolution**”. Journal of Eurasian Studies, 6(2), 161-170.

Nichol, Jim, "Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Development and Implication for U.S Interests", Congressional Research Service Reports, <http://www.isn.ethz.ch>

Welt, C., 2010, **How Strategic is the US-Georgia Strategic Partnership?** The Elliott School of International Affairs, George Washington University.

The Year of Unprecedented Cooperation between Georgia and US:
<http://georgiaembassyusa.org/2018/01/11/2017-saw-unprecedented-close-cooperation-between-georgia-and-us/>

۱۶۶



عوامل مؤثر بر واگرایی روابط ایران و گرجستان (۲۰۱۶-۲۰۰۰)